

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و دوم خارج اصول فقه (دور دوم) 30 آبان ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

کلام در تغییر ساختار مشهور علم اصول فقه و بیان ساختار مختار و توسعه دامنه اصول فقه موجود است. نکاتی را بیان می کردیم که باید در ساختار مختار به آن پرداخته شود.

یکی از مسائلی که در کتب اصولی رایج دیده نمی شود یا به صورت رگه های خیلی ضعیفی به آن اشاره شده بحث اصالة التشریح است. آیا اصل اولی این است که قانونگذار اسلام در مقام تشریح بوده و یا در مقام ارشاد و راهنمایی نسبت به یک مساله اجتماعی و سیاسی و به طور کلی یک مساله غیر شرعی بوده است. اگر اصل اولی مورد پذیرش باشد قابل تمسک است و مادامی که مانعی نباشد باید امتثال شود ولی اگر صرفاً بیان یک شیوه اجرایی و یک راهکار عملی باشد که غالباً هم باید مشروط به عملیاتی شدن آن باشد محل بحث و تأمل است.

مساله دیگر بررسی اصالة التشریح نسبت به مبینان شریعت است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اذن الله ولایت تشریحی و شأن شارع داشتند و مبین شریعت هم بوده اند اما درباره سایر ائمه معصومین علیهم السلام بحث و گفتگو است اما در اینکه معصومین مبینان شریعت بودند بحثی نیست و مراد از شریعت هم شریعت بالمعنی الاخص است. آیا در کلمات ائمه علیهم السلام این اصل را داریم که اگر از ایشان چیزی به ما رسید حمل بر وجوب و حرمت و استحباب و کراهت کنیم یا چنین اصلی نداریم و باید از بیرون تغذیه شود تا چنین حملی صورت بگیرد. اصل بودن یک چیز به این معنی است که حمل بر اصل دلیل نمی خواهد و غیر از آن دلیل می خواهد.

مثلاً خدای متعال درباره رفتار با اسرا در جنگ مطالبی را بیان می فرماید ممکن است کسی بگوید همه این کلمات، جعل قانون می کند و هیچ جهت دیگری هم منظور نیست اما کسی ممکن است بگوید این مطالب، راهکارهایی است که ارائه شده و ممکن است در یک مقطعی این راهکار به کار بیاید و در مقطع دیگر به کار نیاید. در حال حاضر ما طرح بحث می کنیم و موضع گیری نمی کنیم.

مساله دیگری که باید در ساختار مختار بیان شود این است که گاهی در کلمات خدای متعال و معصومین مثالهایی زده می شود ما باید این را حمل بر مثال کنیم یا از آن قانون برداشت کنیم. به عبارت دیگر حمل بر تمثیل کنیم یا حمل بر انحصار. یک روایت است که حلبی آن را نقل می کند: «من أضر بشيء من طريق المسلمین فهو ضامن». حال اگر کسی از این روایت انحصار بفهمد و حاضر نباشد از آن قانون ضمان برای هر ضرر وارد کردنی دربیارود و دیگری ممکن است حمل بر مثال کند و از آن یک قانون ضمان در برابر اضرار را بیان کند.

مساله دیگر اینکه حضرات معصومین همیشه یک نوع مخاطب نداشتند مثلاً اینطور نبوده که امام صادق (علیه السلام) همیشه با زراره صحبت کنند و آن هم در جلسه درس و همیشه هم برای مردم روی منبر صحبت نمی کردند. هر دو مخاطب را داشتند. برخی از مخاطبان امام هر روز امام را می دیدند و برخی ممکن بود در طول یک سال یک بار امام را ملاقات کنند آن هم در مشعر و منی. سوال اینجاست که آیا مطلقاً و عمومات و یا خصوصاتی که از ائمه در کلاس درس و برای مخاطب خاص صادر می شد با آنچه برای مخاطب عام صادر می شود یک وضعیت دارد یا متفاوت است؟ بحث حمل عام بر خاص و حمل

مطلق بر مقید برای همه مطلقات و عمومات امام صادق (علیه السلام) است یا برای کلامی است که مخاطبش خاص و در کلاس درس بوده؟ چرا این سوال پیش می آید؟ اگر کسی در منی و عرفات به عنوان مخاطب عام، مطلقات و عموماتی را از امام بشنود در حالیکه قید آن را قبلاً فرموده باشند یا امام بعدی آن را بیان کنند، آن شنونده به وطن خود باز می گردد و متوجه این قید نمی شود و به آن مطلق که امام فرموده عمل می کند. این یک نوع اغراء به جهل یا تاخیر بیان از وقت حاجت است. لذا باید به تفاوت مطلقات و عموماتی که به شاگردان و مخاطب خاص القاء شده با مطلقات و عموماتی که مخاطب عام داشته دقت کرد و آن را مورد بحث قرار داد.

همه این مسائل باید در دفتر دوم بحث شود که متکفل بیان تعهدات شارع و مبینان شریعت است. مثلاً در مساله آخر اگر گفته شود که ائمه ما چنین تعهدی ندارند که ببینند مخاطبشان چه کسی است عام است یا خاص و این وظیفه متوجه ایشان نیست و فقط باید مطالب را بیان کنند یک جا عام بگویند یک جا خاص بگویند یک مجلس مطلقات را بگویند در مجلس دیگر قیود را مطرح کنند این یک نوع تصور از تعهدات مبینان شریعت است و اگر کسی بگوید ائمه باید جلوی اغراء به جهل را بگیرند و این طور سخن گفتند موجب اغراء به جهل را فراهم می آورد نوع دیگری از تعهدات مبینان شریعت را بیان می کند. مساله دیگر اینکه آیا ائمه ما نسبت به سیره های بعد از خودشان تعهدی داشته اند؟ مثلاً اگر سیره بعد از خودشان را قبول ندارند گوشزد کنند یا اصلاً چنین تعهدی ندارند؟ در فقه و عرف بحث بین امام خمینی و آقا مصطفی خمینی در این مساله بیان شده است. امام خمینی می گوید: چنین تعهدی دارند و آقا مصطفی معتقد است ائمه چنین تعهدی ندارند. در دفتر سوم هم مسائل پراکنده باید مورد بحث قرار گیرد مانند بحث حجیت اطمینان و عدم حجیت. البته این بحث در دفتر اول جایگاه دارد چون وظیفه فهمنده نص است.

بحث تبعیت احکام از مصالح و مفاسد موجود در متعلق و عدم تبعیت که جای کار دارد و اگر در فضای جهان اسلام مطرح شود برخی فرق اسلامی معتقدند بحث از تبعیت احکام از مصالح و مفاسد کفر است و احکام، فعل الله است و افعال خدای متعال تابع چیزی نیست. در فضای گفتگوی مذهب تشیع هم یک مساله ثابتی نیست و خود ما مخالف این هستیم که احکام از مصالح و مفاسد خود متعلق فقط تبعیت کند و معتقدیم گاهی مصلحت در خود جعل و امتثال است. حالا اگر معتقد شدیم که تبعیت می کند آیا امکان فهم آن وجود دارد؟ برخی کاملاً منکر هستند و می گویند ما هیچ مصلحت و مفسده ای را متوجه نمی شویم و اگر بر فرض بفهمیم متوجه موانع نمی توانیم بشویم. اگر این حرف را یک اشعری بزند که از ابتدا تبعیت را قبول ندارد جای تعجب ندارد اما علمایی که عدلیه هستند چرا به طور کلی منکر فهم مصالح و مفاسد می شوند؟ مساله بعدی گستره شریعت است. اصولاً آیا بین "باید" و "هست" رابطه ای وجود دارد یا نه؟

برخی می گویند رابطه ای وجود ندارد. خداوند یک نظام تکوین دارد و یک نظام تشریح و این دو ارتباطی به هم ندارد. برخی گفته اند این عدالتی که در قرآن و روایات مطرح است برای نظام تکوین است و خدای متعال در تکوین عادل است اما در تشریح نه. بعد از این افراد پرسیده می شود العیاذ بالله خداوند ظالم است می گویند نه. چه کسی گفته هر غیر عدلی، ظلم است. برخی هم معتقدند که بین باید و هست ارتباط وجود دارد و خدای متعال حکمی جعل نمی کند که در راستای نظام تکوین نباشد. مساله دیگر ارتباط بین فقه و اخلاق یا شریعت و اخلاق است. برخی میگویند ارتباطی بین این دو نیست و برخی می گویند فقیه نمی تواند خارج از چارچوب اخلاق حکم کند.

مساله دیگر بحث عرف و ارتباط آن با فقه است.

مساله دیگر بحث های هرمنوتیک است. آیا اصول فقه ما با بحث های هرمنوتیک ارتباط دارد یا ندارد.

مساله دیگر تفسیر نصوص شرعی به لحاظ شأن نزول و صدور است و بررسی اینکه شأن نزول و صدور در نص شرعی چقدر تاثیر دارد؟ آیا شأن نزول و صدور در ظهور دلیل تاثیر دارد یا نه؟

خلاصه بحث

کلام در بیان مسائلی است که در ساختار مختار علم اصول باید بحث شود. بحث اصالة التشریح هم نسبت به شارع و هم نسبت به مبینان شریعت/ حمل تطبیقاتی که در کلام شارع و مبینان شریعت هست بر تمثیل و استفاده قانون از آن یا حمل بر انحصار و عدم استفاده به عنوان قانون/ تعیین تکلیف عمومات و مطلقاتی که امام به مخاطب خاص در مجلس خاص القاء می کردند و

مطلقات و عموماتی که در به مخاطب عام در منی و عرفات القاء می کردند/ تعهدات میبنا شریعت نسبت به سیره های بعد از خودشان/ حجیت و عدم حجیت اطمینان / تبعیت احکام از مصالح و مفاسد موجود در متعلق / ارتباط بین نظام تشریح و نظام تکوین / ارتباط فقه با اخلاق / ارتباط فقه و اصول فقه با مسائل هرمونوتیک / تاثیر شأن نزول و صدور در تفسیر نصوص شرعی و تاثیر بر ظهور ادله

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)